

دعای روز هفدهم

ماه

رمضان

شهر رمضان

اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيهِ لِمَا لِي فِيهِ الْخَوَاجُ وَالْأَمَالَ يَا مَنْ لَا يَخْتِاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ وَالسُّوَالِ يَا عَالِمًا بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ؛ ای خدا مرا در این روز به اعمال صالحه راهنمایی کن و حاجت‌ها و آرزوهایم را برآورده ساز، ای کسی که نیازمند به شرح و سؤال بندگان نیستی، ای خدایی که ناگفته به حاجات و به سرائر خلق آگاهی، بر محمد و آل اطهار او درود فرست

مناجات نامه

شهید علی چیت سزایان

خدا! گناهانی را که از این بنده روسیاه سرزده، ببخش. می‌دانستم و گناه کردم. حرف زدم ولی خودم عمل نکردم. دیگران را به راه راست هدایت کردم ولی خودم راه خلاف رفتم. بدی دوستم را خواستم و حسادت کردم. تهمت زدم. غیبت کردم. دروغ گفتم. کار برای خودم کردم و خدا را فراموش کردم و در کارهایم خدا را در نظر نگرفتم. از این که به پدر و مادرم احترام نگذاشتم و حق الناس را ادا نکردم و حرف حق را گفتم ولی عملی نکردم و غرور داشتم. تکبر داشتم؛ خودم را از دیگران بالاتر می‌دانستم و به یاد فقیران نبودم و در موقع غذا خوردن به یاد گرسنگان نبودم

و در بستر گرم خوابیدم و فراموش کردم کسانی را که در بیابان‌ها می‌خوابند و به زیردستانم زور گفتم. چنانچه باید از ولایت، اطاعت کنم نکردم، دوستان شهیدم را فراموش کردم و راه آن‌ها را نرفتم. به سراغ جانبازان و مجروحین نرفتم و دل بسته دنیا بودم و جنگ را فراموش کردم؛ از اینکه به ناموس دیگران تجاوز کردند و من به فکر زندگی خودم بودم؛ مسایل دینی را انجام ندادم، نماز نخواندم، روزه نگرفتم، بلندبلند خندیدم و آخرت را فراموش کردم؛ از بیت‌المال محافظت نکردم، دیگران را مسخره کردم در حالی که خودم از همه مسخره‌تر بودم؛ از این که چشم‌هایم گناه کرد و زبانم به سخن خوب باز نشد و پاهایم راه انحراف رفت. خدایا به خاطر همه این گناهانم مرا ببخش.....

برگرفته از کتاب دلیل

معراج؛ مقدس‌ترین سفر

معراج، مقدس‌ترین سفر در طول تاریخ است، مسافرش پیامبر اسلام ﷺ فرودگاهش مسجدالحرام، گذرگاهش مسجدالاقصی، میزبان‌ش خدا، هدف آن دیدن آیات الهی، سوغاتی‌اش اخبار آسمان‌ها و ملکوت و بالا بردن سطح فهم بشر از این دنیای مادی بوده است. (در تفسیر فرقان آمده است: شب میلاد، شب معراج، شب بعثت، شب هجرت، شب ورود به مدینه و شب رحلت پیامبر، همه، شب دوشنبه بوده است). معراج پیامبر ﷺ در قرآن کریم در دو سوره نجم و اسراء به‌طور اجمال بیان شده است. در این سفر، حضرت رسول ﷺ، بهشت و جهنم را دید، وضعیت بهشتیان و نعمت‌هایشان و دوزخیان و عذاب‌هایشان از مسجدالحرام به مسجدالاقصی در بیت‌المقدس رفت و از آنجا به آسمان‌ها صعود کرد. معراج پیامبر ﷺ، جسمانی و در بیداری

بوده، نه در خواب و با روح؛ و اصل آن از ضروریات دین و مورد اتفاق همه فرقه‌های اسلامی است. روایات متواتر و برخی دعاها و زیارتنامه‌ها هم به این مسأله اشاره دارد و در برخی احادیث، منکر آن کافر معرفی شده است. خداوند، حضرت آدم را از آسمان به زمین آورد، ولی حضرت رسول ﷺ را از زمین به آسمان برد. پیامبر در آن شب، عوالم بالا، ملکوت آسمان‌ها و عجائب آفرینش را دیده و با انبیا ملاقات کرده است، و احادیث قدسی در این سفر بر آن حضرت وارد شده است، در آنجا رهبری و ولایت حضرت علی (ع) نیز مطرح شد.

در این سفر، حضرت رسول ﷺ، بهشت و جهنم را دید، وضعیت بهشتیان و نعمت‌هایشان و دوزخیان و عذاب‌هایشان از مسجدالحرام به مسجدالاقصی در بیت‌المقدس رفت و از آنجا به آسمان‌ها صعود کرد. معراج پیامبر ﷺ، جسمانی و در بیداری

کم‌ظرفیت از دین برگشتند.

مفهوم معراج

عروج، به معنای بالا رفتن است. به شبی که دعا بالا رود لیل‌المعراج گویند؛ و نیز حرکت با جسم در زمین و بر روی زمین را گویند، و «اسار و اسراء» به معنای راندن است، یا سیر در شب را گویند، و معنای روح و جسم هم روشن است. راغب اصفهانی، روح را به معنای نفس گرفته است؛ بنابراین، حقیقت معراج، سیر در زمین و جهان‌های بالا و دوردست است.

رَوَى عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ سَأَلَ رَبَّهُ سُبْحَانَهُ لَيْلَةَ الْمِعْرَاجِ فَقَالَ يَا رَبِّ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ فَقَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَيْسَ شَيْءٌ عِنْدِي أَفْضَلَ مِنَ التَّوَكُّلِ عَلَيَّ وَ الرِّضَا بِمَا قَسَمْتُ؛ از امیرمؤمنان (علیه السلام) روایت شده است که: پیامبر اکرم ﷺ در شب معراج از پروردگارش پرسید: پروردگارا! برترین و شریف‌ترین کارها کدام است؟ خداوند عزوجل در پاسخ فرمود: هیچ عملی نزد من بالاتر از توکل بر من و راضی بودن به آن چه که من قسمت کرده‌ام، نیست.

بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۴، ص: ۲۲

نکته های ناب

۱. «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ».
۲. معراج، لغو نیست، بلکه اسراری قابل توجه دارد؛ «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى».
۳. معراج، اردوی خصوصی و بازدید علمی پیامبر بود، وگرنه خداوند بی‌مکان است؛ «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى».
۴. عبودیت، مقدمه پرواز است و عروج، بی‌خروج از صفات رذیله، ممکن نیست؛ «أَسْرَى بِعَبْدِهِ».
۵. انسان اگر هم به معراج برود، باز «عبد» است. پس درباره اولیای خدا غلو نکنیم. «أَسْرَى بِعَبْدِهِ».
۶. عبودیت، از افتخارات پیامبر و زمینه دریافت‌های الهی اوست؛ «بِعَبْدِهِ».
۷. عر برای قرب به خدا، شب بهترین وقت است. («سُورَى» به معنای سیر و حرکت شبانه است) «أَسْرَى ... لَيْلًا».
۸. مسجد، بهترین سکوی پرواز معنوی مؤمن است؛ «مِنَ الْمَسْجِدِ».
۹. حرکتهای مقدس، باید از راههای مقدس باشد؛ «أَسْرَى ... مِنَ الْمَسْجِدِ».
۱۰. سرسبزی و برکات، باید بر محور مسجد باشد؛ «الْمَسْجِدِ ... بَارَكْنَا حَوْلَهُ».
۱۱. بیت‌المقدس و حوالی آن، محل نزول برکات آسمانی، مقرر پیامبران و فرودگاه فرشتگان در تاریخ بوده است؛ «بَارَكْنَا حَوْلَهُ».
۱۲. هدف معراج، کسب معرفت و رشد معنوی بود؛ «لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا».
۱۳. آیات الهی آن قدر بی‌انتهاست که رسول خدا نیز توان دستیابی به همه آن‌ها را ندارد؛ «مِنْ آيَاتِنَا».
۱۴. خداوند، به مخالفان هشدار می‌دهد که آنان را می‌بیند و سخنانشان را می‌شنود؛ «السَّمِيعُ الْبَصِيرُ».
۱۵. اگر استعداد و شایستگی باشد؛

توبه از حق الله

گاهی توبه مربوط به حق الله است؛ مثلاً عباداتی مثل نماز از انسان فوت شده و قضا دارد. با این که این گناه خیلی بزرگ است و انسان بی‌نماز، و کسی که به نماز اهمیت نمی‌دهد و نماز را ضایع می‌کند، حتماً گمراه و بدبخت است، ولی توبه او پذیرفته می‌شود؛ البته پس از توبه، جبران کوتاهی از عبادت فوت شده، لازم است. باید تصمیم جدی بگیرد که نماز و روزه و سایر عباداتی را که از او قضا شده است، به مرور زمان جبران نماید. پروردگار عالم توبه واقعی چنین شخصی را می‌پذیرد و انتظار هم ندارد بعد از توبه، تمام وقتش را صرف جبران آن عبادات کند، بلکه باید به وظایف روزانه‌اش رسیدگی کند و هر چه می‌تواند نمازها و روزه‌ها یا سایر عباداتش را قضا کند تا تمام شود. ولی تصمیم جدی برای جبران این عبادات لازم است. توبه از گناهی نظیر دروغ و غیبت و تهمت نیز پذیرفته می‌شود و در بسیاری از این موارد، راضی کردن شخصی که از او غیبت شده یا به او تهمت زده شده است هم لازم نیست و فقط توبه واقعی در محضر پروردگار متعال کفایت می‌کند.

ر.ک: بخش اخلاق رساله توضیح المسائل آیت‌الله حسین مظاهری

احکام روزه

مادرم به بیماری شدیدی مبتلاست و پدرم نیز از ضعف جسمانی رنج می‌برد و در عین حال هر دو روزه می‌گیرند که گاهی مشخص است که روزه باعث تشدید بیماری آن‌ها می‌شود، تاکنون نتوانسته‌ام آن‌ها را قانع کنم که لااقل هنگام شدت بیماری روزه نگیرند. خواهشمندیم ما را در مورد حکم روزه آن‌ها راهنمایی فرمایید

ملاک تأثیر روزه در ایجاد بیماری یا تشدید آن و عدم قدرت بر روزه گرفتن تشخیص خود روزه‌دار نسبت به خودش است و اگر بداند روزه برای او ضرر دارد یا خوف ضرر داشته باشد و در عین حال بخواهد روزه بگیرد، روزه گرفتن برای وی حرام است.

اجوبة الاستفتاءات مقام معظم رهبری